

دو فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی
سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۹۷-۱۱۳
مقاله علمی-پژوهشی

معرفی نسخه خطی خرده اوستای کتابخانه هرندی-کرمان

فاطمه جهان‌پور*

چکیده:

یکی از دست‌نویس‌های ارزشمندی که در کتابخانه هرندی کرمان وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی، نگهداری می‌شود نسخه خطی خرده اوستا با ۱۰۲ برگ، به شماره ۳۶ است که به دست ملا مرزبان پسر ظهراب پسر گشتاسب پسر بهمن پسر فرامرز پسر اسفندیار پسر رستم پسر اردشیر پسر کریم‌داد سیستانی، در سال ۱۲۲۷ یزدگردی برابر با سال ۱۲۷۳ قمری، به الفبای فارسی نوشته شده و فاقد ترجمه است. در برگ‌های پایانی کتاب فرجامه‌ای به خط فارسی از نویسنده آمده است. کاتب مردی شناخته شده در کرمان و از خاندان منجمان سرشناس دوره قاجار است. خرده اوستا مجموعه‌ای از نیایش‌های کوتاه است که مؤمنان بهدین آن را همه روزه در اوقاتی خاص تلاوت می‌کنند. این نسخه شامل متونی همچون اردیبهشت‌یشت، وهرام‌یشت، آتش‌نیایش، آفرینگان گهنبار و پت است. اهمیت این نسخه در آن است که شاید از جمله قدیمی‌ترین متون اوستایی است که به خط فارسی نگاشته شده و نیز کاتب با معرفی هشت نسل از نیاکانش، روشن می‌کند از

* کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

fjahanpour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۵

Doi: <https://doi.org/10.22034/aclr.2023.2009569.1076>



نسل زرتشتیان سیستان بوده که بعدها به کرمان مهاجرت کردند. این مقاله در پی معرفی و شناسایی این نسخه و خاندان کاتب برآمده است.

کلیدواژه‌ها: خرده / اوستا، نسخه خطی، ملامرزبان، ملا گشتاسب، کتابخانه هرندی

مقدمه:

خرده / اوستا مجموعه‌ای از نیایش‌های کوتاه است که بهدینان در عبادات روزانه خود به فراخور زمان و موقعیت، زیر لب زمزمه می‌کنند و آئین‌های مربوط به آن را انجام می‌دهند که اصطلاحاً به آن باژ می‌گویند. گویا موبد موبدان آذرپاد مهراسپندان در زمان سلطنت شاپور دوم ساسانی (۳۰۹ - ۳۷۹م) و به فرمان وی، این متن را جهت استفاده عموم بر اساس بیست و یک نسک / اوستا، خلاصه و تدوین کرد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۴۲؛ هینتسه، ۱۳۹۳: ۱۰۲؛ راشد محصل، ۱۳۸۲: ۲۹ - ۳۰). خرده / اوستا شامل پنج نیایش برای خورشید، مهر، ماه، آب و آتش؛ ادعیه مربوط به پنج‌گاه شبانه‌روز و ایزدان موکل بر آنها؛ سی‌روزه که نیایش‌هایی برای ایزدان سی‌روز ماه است؛ آفرینگان‌ها شامل آفرینگان دهمان (نیایش برای آرامش روان در گذشته)، آفرینگان گاهان (نیایش برای پنج روز گاهانی)، آفرینگان گهنبار و آفرینگان رپیثون (نیایش برای آغاز و پایان تابستان)، سروش‌باژ (ستایشی مربوط به ایزد سروش)، هوشبام (نیایش برای ایزد سپیده‌دم) و نیز تعدادی نماز و دعای کوتاه همچون دعای تندرستی، دعای مخصوص کشتی بستن^۱ می‌باشد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۴۳ - ۴۴).

از آنجا که خرده / اوستا کتابی بود که می‌بایست عموم مردم بتوانند در هر زمان و لحظه، خود به تنهایی و بی‌نیاز از حضور موبد و روحانی، آن را بخوانند، بنابراین پس از متروک شدن زبان اوستایی و گسترش زبان و خط فارسی ضرورت داشت تا متن خرده / اوستا متناسب با تحولات رخ داده، یعنی زبان و الفبای فارسی نوشته و ترجمه شود. برخی بر این باورند که نگارش / اوستا به خط و الفبای فارسی از اواخر قرن ۱۳ یزدگردی به تدریج رواج یافت (شهمردان، ۱۳۰۸: ۸) و به دنبال آن کاربرد خط اوستایی در نگارش این متون کم‌رنگ‌تر شد، هر چند هیچ ادله متقنی فعلاً برای آن وجود ندارد. شاید بتوان گفت خرده / اوستا از نخستین متون دینی زرتشتی است که به خط فارسی نوشته شد. به همین سبب کاتبان و بعدها ناشران بر آن شدند متن اوستایی آن را به

^۱ کمربند ویژه زرتشتیان که بر روی سدره بسته می‌شود و به «بند دین» نیز مشهور است و هر بهدین به محض رسیدن به سن بلوغ باید آن را بر کمر داشته باشد.

الفبای فارسی برگردان کنند تا تمامی بهدینان برخوردار از حداقل سواد، بتوانند نیازهای دینی روزانه خود را برآورده نمایند. از این بخش از *اوستا*، تعدادی محدود دست‌نوشته و تعداد پرشمارتری به صورت چاپ سنگی در کتابخانه‌ها و منازل زرتشتیان یافت می‌شود. در کتابخانه هرندی کرمان از کتابخانه‌های وابسته به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، نسخه‌ای خطی از *خرده/اوستا* نگهداری می‌شود. این مقاله در پی آن است تا ضمن معرفی و شناسایی این نسخه، به چندین پرسش پاسخ دهد: ویژگی‌های نسخه‌شناسانه این دستنویس چیست؟ سبک نوشتاری آن چگونه است؟ فرجامه این نسخه چه اطلاعاتی درباره کاتب و تبار خاندانی وی در اختیار می‌گذارد؟

ویژگی‌های نسخه‌شناسانه دستنویس *خرده/اوستای ۳۶*

خرده/اوستای ۳۶ متعلق به کتابخانه هرندی کرمان، دستنویسی است که در اوایل دوران پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ق) به دست یکی از نوادگان ملا گشتاسب، منجم مشهور کرمانی نوشته شده است. این دستنویس دارای ۱۰۲ برگ است که برخی از اوراق آغازین و فرجامین آن از بین رفته و تعدادی از برگ‌های اول آن در گذر ایام و بی‌مه‌ری‌های زمانه فرسوده و گاه با کاغذی دیگر وصالی و مرمت شده است. روی بعضی از کاغذها لکه‌های ناشی از رطوبت و یا چربی دیده می‌شود. کاغذ این دستنویس از نوع کاغذ نخودی رنگ و جلد آن چرمی است که تزئینی ساده از یک لوزی محصور در میان قابی مستطیل شکل، بر روی آن دیده می‌شود. این نسخه با ابعاد ۱۷/۵ در ۱۰/۵ سانتیمتر، به عنوان قطع نیم‌وزیری شناخته می‌شود و هر برگ آن ۱۲ سطر مکتوب دارد. این پچین در ادامه سنت فارسی‌نویسی متن‌های دینی، به خط فارسی نوشته شده و فاقد ترجمه است. متن دستنویس با مرکب مشکی نوشته شده است. عناوین و دستورهای خوانش نیایش‌ها و اجرای آئین‌ها به خط فارسی و با مرکب سرخ است. خط، پاکیزه و خوانا، به شیوه نستعلیق و واژه‌ها با فاصله از یکدیگر نوشته شده و در رعایت اندازه و فاصله میان سطرها از هم و از حواشی صفحه، دقت زیادی اعمال گردیده است. گه‌گاه نقوشی مختصر همچون نقش گل، بندها و فقرات را از یکدیگر جدا کرده‌اند. اوراق فاقد برگ‌شمار است، اما رکابه^۱ دارد.

^۱ رکابه، نوشتن یک یا چند واژه آغازین از صفحه سمت چپ کتاب در پایین صفحه سمت راست کتاب است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

مندرجات کتاب به ترتیب (از برگ دوم به بعد) شامل اردیبهشت‌یشت و سپس سروش‌یشت هادخت، وهرام‌یشت، آتش‌نیایش، آفرینگان گهنبار، پنجه سروش (که شاید همان آفرینگان پنجه‌وه باشد)، آفرینگان دهمان، پتت^۱، نماز اورمزد می‌باشد.

معرفی کاتب و تبار خاندانی و سبک نوشتاری وی

با وجود آنکه برگ‌های پایانی کتاب مفقود شده‌اند، اما از بخت بلند، ورقی که روی آن فرجامه نوشته شده، باقی مانده است و بر اساس آن می‌توان تاریخ نگارش و نام کاتب را خواند. این نسخه در تاریخ ۱۹ بهمن‌ماه سال ۱۲۲۷ یزدگردی برابر با سال ۱۲۷۳ قمری توسط مرزبان پسر ظهراب^۲ پسر ملا گشتاسب پسر بهمن پسر فرامرز پسر اسفندیار پسر رستم پسر اردشیر پسر کریم‌داد سیستانی نوشته شده است. در این فرجامه سخنی از محل نگارش نیامده ولی می‌توان حدس زد که احتمالاً در کرمان بوده است. کاتب مردی شناخته شده در کرمان و از منجمان سرشناس دوره قاجار است که به استخراج و تهیه تقویم می‌پرداخت. بنا بر شجره‌نسب مذکور، او از نسل ملا گشتاسب، منجم معروف اواخر زندیه و اوایل دوران قاجار است. این خاندان نسل اندر نسل از منجمان مشهور زمان خود بوده و چون از طبقه موبدان نبودند، اما از دانش و علوم بهره فراوان داشتند، معمولاً لقب «ملا» پیش از نام آنان می‌آمد. ما از زندگی و پیشه نیاکان کاتب پیش از بهمن اطلاعی نداریم. اما می‌دانیم بهمن پدر ملا گشتاسب و پدر بزرگ کاتب مزبور، خزانه‌دار کریم‌خان زند (۱۱۶۴ - ۱۱۹۳ق) بود و گشتاسب نیز همین مقام را در دوران پادشاهی لطفعلی‌خان زند (۱۲۰۴ - ۱۲۰۹ق) بر عهده داشت (شاهرخ، ۱۳۸۱: ۱۸). گشتاسب بعدها به واسطه پیش‌بینی پیروزی آغامحمدخان قاجار در جنگ با لطفعلی‌خان زند، مورد عنایت ویژه خان قاجار قرار گرفت و پس از رسیدن آغامحمدخان به پادشاهی، به مقامی شامخ در دربار او دست یافت بطوریکه در سفر و حضر همراه شاه بود و به یمن حضور وی، سایر زرتشتیان برای مدتی از آسایش برخوردار شدند. وی در اوایل حکومت فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ق) درگذشت (افلاطون بن اسکندر کرمانی، ۱۳۰۲: ۴ - ۶). پسران وی ظهراب و اسکندر هم راه پدر را در پیش گرفتند. ملا اسکندر در طریق منجمی به استخراج تقویم و تدوین سالنامه می‌پرداخت، در علم

^۱ به معنای توبه و انابه.

^۲ ظهراب صورت گویشی سهراب است.

رمل^۱ و جفر^۲ تبحر بسیار داشت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۳۶۹ - ۳۷۰) و حاکمان زمان از دانش وی بهره‌مند بودند. او با طبع درویشانه‌ای که داشت زندگی محقر و ساده‌ای برای خود ترتیب داده بود و سرانجام در سال ۱۲۲۶ یزدگردی برابر با ۱۲۷۳ق درگذشت (افلاطون بن اسکندر کرمانی، ۱۳۰۲: ۶ - ۷). از وی کتابی با موضوع تاریخ کرمان به نام *محقق‌التواریخ* برجای مانده که در سال ۱۲۶۹ق نوشته است (نجمی، ۱۳۸۱: ۴۵۱). این کتاب اخیراً به همت انتشارات فروهر برای اولین بار به چاپ رسید^۳. ملا بهروز و ملا افلاطون، پسران ملا اسکندر نیز در این رشته، دانش خود را نزد پدر آموختند. آنان نه تنها در این علم سررشته داشتند، بلکه در تحصیل دانش زمانه نیز از پیشگامان بودند و از مردان با نفوذ روزگار خود به حساب می‌آمدند. ملا افلاطون در کودکی به همراه مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا^۴ به تهران رفت و در مدرسه «دهشنی دبیرستان مازدیسنان»^۵ تحصیل کرد و از آموزش‌های جدید بهره‌مند شد و زبان‌های انگلیسی و گجراتی را فراگرفت. او پس از فارغ‌التحصیلی، به تدریس در مدارس پرداخت و پس از مدتی دریافت که شیوه مرسوم آموزش زبان و خط و الفبا به کودکان مشکلی اساسی دارد و متوجه ضرورت تصحیح این روش شد. پس به نگارش کتابی در این زمینه پرداخت و تجربه‌های خود را در آن مطرح کرد و کتاب را با عنوان *اقبال ناصری* در سال ۱۳۰۲ق به همت پسرعمویش مرزبان پسر ظهراب و میرزا بهرام بن ملا گشتاسب مهربان کرمانی منتشر کرد (افلاطون بن اسکندر کرمانی، ۱۳۰۲: ۱۴ - ۱۵). چندی بعد افلاطون به بیماری وبا درگذشت (شاهرخ، ۱۳۸۱: ۱۹). بهروز پسر بزرگ ملا اسکندر نیز از تحصیل‌کردگان زمان خود بود و به فرمایش مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا در مدرسه زرتشتیان کرمان به آموزش و معلمی پرداخت. او یکی از اعضای برجسته و بانفوذ انجمن

^۱ رمل روشی است برای پیش‌بینی آینده با استفاده از علوم غریبه (ذاکری، ۱۳۹۴: ۳۲۲).

^۲ علم جفر شاخه‌ای از علوم غریبه که موضوع آن بررسی و چگونگی تأثیر حروف در جهان هستی است (روح‌اللهی، ۱۳۸۹: ۲۸۸).

^۳ *محقق‌التواریخ*، تألیف ملا اسکندر فرزند ملا گشتاسب کرمانی، تصحیح شهاب‌الدین سمنان و گودرز رشتیانی، فروهر، ۱۳۹۸.

^۴ مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا (۱۸۱۳ - ۱۸۹۰م) از پارسیان هند که در سال ۱۸۵۴م از سوی انجمن بهبود وضع زندگی زرتشتیان ایران، به ایران سفر کرد و توانست با کوشش بسیار به امور زرتشتیان ایران رسیدگی کند و آن را سامان بخشد. از مهم‌ترین نتایج حضور او در ایران، اقناع حکومت در حذف مالیات و جزیه از زرتشتیان و رعایت حقوق این جماعت بود (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۴۲۲ - ۴۲۳).

^۵ مدرسه شبانه‌روزی زرتشتیان در تهران که توسط مانکجی هوشنگ هاتریا تأسیس شد و در آن کودکان بهدین از شهرهای مختلف آموزش می‌دیدند (دالوند، ۱۳۹۹: ب: ۸۱ - ۸۲).

زرتشتیان کرمان (پنچایت^۱) بود که در سال ۱۲۲۸ یزدگردی به همت مانکجی در کرمان تأسیس شد (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۵۵ - ۲۵۶). این انجمن در واقع مجمعی از معمرین، موبدان، دستوران و بهدینان بانفوذ بود که امور مربوط به زندگی اجتماعی زرتشتیان را در جلسات عمومی خود مورد بحث و بررسی قرار می‌داد (نیک‌روش و زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۴۲). ملا بهروز که یکی از مردان تأثیرگذار جامعه زرتشتیان کرمان بود، در سال ۱۲۳۵ یزدگردی از طرف وکیل‌الملک کرمان به دریافت خلعت مفتخر گردید. وی در علم نجوم و ریاضی و زیج سرآمد بود و به درخواست مانکجی، رساله‌ای در اثبات کبیسه زرتشتی با عنوان رساله شرح کبیسه که در دین زردشتی جایز است و ترتیب آن، نوشت (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۱۳ - ۴۱۴). لازم به ذکر است در میان زرتشتیان ایرانی، ملا بهروز از معدود کسانی بود که به وجود کبیسه در تقویم باور داشت. این دستنویس به شماره ۲۹۵ در کتابخانه مؤسسه کاما، گنجینه مانکجی نگهداری می‌شود (غروی، ۱۳۶۵: ۹ - ۱۰). وی در کتابت نسخ دینی اوستایی نیز دستی داشت. از وی دستنویسی از خرده/وستا برجای مانده است که در تاریخ ۲۹ فروردین‌ماه سال ۱۲۲۶ یزدگردی برابر با ۲۳ محرم ۱۲۷۳ توسط وی مکتوب شده است و در سال ۱۳۸۵ به همت کتایون مزداپور و توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور منتشر گردید. این نسخه با ۲۳۶ برگ، به خط اوستایی (دین دبیره) نوشته شده که در آن عناوین و دستوره‌های تلاوت به خط فارسی و گاه پهلوی آمده است (خرده/وستا، ۱۳۸۵: ۵). گویا بهروز علاوه بر خط اوستایی، در نگارش فارسی نیز خط خوبی داشته زیرا وی کتاب محقق/التواریخ اثر پدرش ملا اسکندر را نیز کتابت کرده است (نجمی، ۱۳۸۱: ۴۵۱). او همچنین کتیبه مربوط به بازسازی آتشکده شاه ورهرام ایزد کرمان را که به همت مانکجی و خیرین بهدین انجام گرفته بود، نوشته است: «انجام یافت روز پنج‌شنبه ورهرام ایزد از اردیبهشت‌ماه قدیم ۱۲۲۸ یزدگردی برابر با ششم ماه ربیع‌الاول ۱۲۷۵ هجری هم‌بار بر ۱۴ اکتبر سال ۱۸۵۸ عیسوی به خط کمترین وهدین بهروز ابن اسکندر ابن گشتاسب کرمانی» (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۵۶). وی در سال ۱۲۴۸ یزدگردی برابر با ۱۲۹۵ ق درگذشت.

فرزند دیگر ملا گشتاسب، ظهراب (صورت گویشی از نام سهراب) از اولین اعضای انجمن زرتشتیان کرمان (اشیدری، ۱۳۵۵: ۲۵۸) و کدخدای جماعت بهدینان بود (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۴۵). از وی چندان خبری برجای نمانده است و چه بسا او نیز در علم نجوم و تهیه زیج دستی داشته است.

^۱ هیئت پنج نفره (امینی، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

اما پسرش مرزبان، کاتب نسخه خرده/وستای شماره ۳۶، همچون پدرانیش در علم نجوم و ریاضی تبحر داشت و به استخراج تقویم می‌پرداخت و در امور طلسمات و نیرنگ نیز سررشته داشت و مردم به پیشگویی‌های او اعتقاد داشتند. به سبب همین مهارت و دانش به منجم‌باشی معروف بود (سروشیان، ۱۳۷۰، ج ۱: ۷۱) و نه تنها طرف توجه مردم که مورد عنایت حاکم وقت کرمان، عبدالحمید میرزا ناصرالدوله نیز بود (افلاطون بن اسکندر کرمانی، ۱۳۰۲: ۷ - ۸). مرزبان به سبب جایگاه خاندانش و نفوذی که در جامعه داشت، همچون پدرش عضو انجمن زرتشتیان کرمان و دفتردار انجمن بود. هر چند بعدها بنا به دلایلی از عضویت آن کنار گذاشته شد (سروشیان، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۲۸). وی در کرمان مدرسه‌ای تأسیس کرد و تعدادی از کودکان زرتشتی از جمله ارباب کیخسرو و برادرش در آنجا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کردند (شاهرخ، ۱۳۸۱: ۱۸). مرزبان اگر چه به طریق اسلافش زندگی محقر و درویشانه‌ای داشت (افلاطون بن اسکندر کرمانی، ۱۳۰۲: ۷ - ۸)، اما در انجام امور خیر و گشایش برای بهبود زندگی هموندانش، همواره آماده بود. همو در چاپ و انتشار کتاب *اقبال ناصری*، عموزاده‌اش ملا افلاطون را یاری داد (افلاطون بن اسکندر کرمانی، ۱۳۰۲: ۱۴ - ۱۵). از دیگر کارهای مرزبان، کتابت نسخ دینی بود. او نیز همچون پسرعمویش بهروز ابن ملا اسکندر و همزمان با او دست به کتابت نسخه خرده/وستا زد با این تفاوت که این نسخه به الفبای فارسی مکتوب شده است. اگر نسخه ملا بهروز یکی از آخرین یادگارهای نسخ دینی زرتشتی به شیوه قدیمی و سنتی است (خرده/وستا، ۱۳۸۵: سیزده)، نمی‌دانیم آیا می‌توان دستنویس ملا مرزبان ظهراب را در ردیف اولین گام‌ها به سوی فارسی‌نویسی نسخ دینی از این نسخ قرار داد؟ علاوه بر این، درست نمی‌دانیم آیا مرزبان نسخ دیگری را نیز استنساخ کرده است یا خیر؟ اما با نگاهی به خرده/وستای شماره ۳۶ می‌توان گفت کاتب در نوشتن متن اوستایی به الفبای فارسی دقت لازم را نموده است. زیرا از آنجا که بسیاری از آواهای موجود در زبان اوستایی را نمی‌توان در الفبای فارسی یافت، نگارش عبارات اوستایی به الفبای فارسی بسیار دشوار است و این نخستین چالش برای کاتبان است. علاوه بر این، خوانا نوشتن و فاصله‌گذاری میان لغات اوستایی برای جلوگیری از ادغام واژگان با یکدیگر، وقتی که به الفبای فارسی نوشته می‌شوند، مشکل دیگر است و کاتب نشان می‌دهد که در انجام این کار سترگ توانا بوده است. از نظر شکل ظاهری نسخه نیز می‌توان تلاش نویسنده را در رعایت تعداد سطور در هر صفحه و فاصله میان سطور با هم و نیز فاصله‌گذاری از حواشی کاغذ، ملاحظه نمود. بطوریکه گاه برای حفظ اندازه سطور، واژه‌ای را تقطیع کرده و بخشی از آن را به خط بعد برده است.

نویسنده هر کجا لازم بوده است از زیبانگاری و اعمال سلیقه فروگذاری نکرده است و کرسی‌بندی را در جانمایی کلمات رعایت نموده است. در نگارش لغات تکراری در یک صفحه، با اعمال سلیقه و رعایت زیبایی در صفحه‌آرایی، سعی کرده است آنها را زیر هم، در آغاز و یا در پایان سطر بیاورد و سطور را چشم‌نواز کند. در این نسخه کمتر به خط‌خوردگی، جا افتادن لغات که ناشی از فراموشی و یا دست‌پاچگی نویسنده باشد، برمی‌خوریم. نویسنده در هر جا که باید دستورها و آداب اجرای آئین دینی را بنویسد، از جوهر به رنگ سرخ استفاده کرده است و این امر همه جا رعایت شده است. گاه از شکلی ساده مثل گل که ترکیبی از چندین نقطه می‌باشد، برای جدا کردن آیات استفاده کرده است. در این نسخه نیز مانند برخی نسخ دیگر اغلاط تلفظی را می‌توان دید همچون «اشم وهو» که به صورت «اشم وهی»؛ «یتا اهو» به صورت «یتا اهی»؛ «هومت» به صورت «همت»؛ «هوخت» به صورت «هیخت» نوشته شده است. گویا این قسم اشتباهات از دست‌نویس موید رستم گشتاسب اردشیر که در سال ۱۰۹۰ یزدگردی نسخه‌ای از *اوستا* را بدین شیوه نوشته بود، به سایر نسخ بعد از خودش سرایت کرده است (شهمردان، ۱۳۰۸: نه). فعل «بود» به صورت گویشی آن «بید» نوشته شده و رعایت نگارش وارونه کلمه «اهریمن»، نشان از دقت و توجه وی به باورهای دینی دارد.

با مروری بر اعضای این خاندان و شخصیت علمی ایشان روشن می‌شود با وجود آنکه این خاندان از طبقه موبدان نبودند اما در حوزه دانش ریاضی و نجوم تبحر داشتند و این امر مؤید آن است که فراگیری علوم و از جمله دانش ستاره‌شناسی در انحصار طبقه موبدان نبود و دیگران نیز می‌توانستند در این حوزه وارد شوند. بدین سبب به ایشان لقب «ملا» داده بودند. علاوه بر این، کتابت نسخ دینی که توسط اعضای این دودمان انجام شده است، بیانگر آن است که نگارش و استنساخ متون دینی نیز اختصاص به خاندان موبدان و روحانیون نداشت و دیگران نیز اجازه داشتند در این امر مشارکت کنند. حال پرسش اینجاست آیا همه نسخ دینی همچون *وندیداد*، *یسنا* و یا *ویسپرد* هم در این شمول قرار می‌گیرد؟ به عبارت دیگر آیا نسخی از این لون که عمدتاً برای تلاوت در مراسم دینی جمعی بکار می‌رود و حضور موبدان در آن ضروری است، توسط افرادی خارج از سلک روحانیت نوشته شده است؟ این پرسش از آنجا مطرح می‌شود که تاکنون متونی که توسط اعضای خاندان مرزبان ظهراب نوشته شده است، *خرده/اوستا* بوده است و *خرده/اوستا* کتابی است که خوانش آن می‌تواند به صورت فردی نیز انجام شود و الزامی به حضور مقام روحانی در زمان اجرای این آئین‌ها نیست. بر این اساس آیا می‌توان گفت به دلیل آنکه *خرده*

اوستا کاربرد شخصی و فردی دارد، هر کس به صرف داشتن سواد و خط و ربط، بی آنکه وابستگی به طبقه روحانیت داشته باشد، اجازه دارد آن را کتابت کند و به عنوان میراثی خاندانی برای فرزندان و نوادگانش به یادگار گذارد. این برداشت البته زمانی نقض می شود که به یاد آوریم خرده اوستا در مراسم عمومی نیز تلاوت شده و می شود. پاسخ به این ابهامات زمانی میسر خواهد شد که نمونه های دیگری از کتابت متون دینی زرتشتی توسط افرادی غیر روحانی در اختیار داشته باشیم.

از دیگر نکات ارزشمند خرده اوستای شماره ۳۶، فرجامه آن است که کاتب در معرفی خود به هشت پشت از نیاکانش اشاره می کند و تک تک آنان را نام می برد. این نکته زمانی اهمیت می یابد که در اکثر متونی که به معرفی شخصیت مهم «ملا گشتاسب منجم» پرداخته اند، اغلب تنها نام پدر او، «بهمن» را ذکر می کنند و از آن دورتر نمی روند. در نسخه خرده اوستای «ملا بهروز» قدری این شجره نسب طولانی تر شده است و کاتب، نیاکانش را تا پنج پشت معرفی نموده و تا «اسفندیار» عقب برده است: «انجام یافت کتاب خورده اوستای زند به خط حقیر کثیرالتقصیر خاک راه بهدینان بهروز ابن اسکندر ابن گشتاسب بهمن فرامرز اسفندیار به تاریخ یوم مانثرسفند و فروردین ماه قدیم سنه ۱۲۲۶ یزدجردیه مطابق بیست و سیوم محرم الحرام سنه ۱۲۷۳ هجریه» (خرده اوستا، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۷۰). قابل توجه آنکه ملا بهروز این فرجامه را به خط فارسی نوشته است و درست جایی که نام خود و پدرانش را ذکر می کند، از خط پازند استفاده کرده است.

حال این پرسش مطرح می شود چطور است ملا بهروز در معرفی پدرانش تا به «اسفندیار» بسنده نموده است؟ آیا بیش از این از عقبه خاندانی اش اطلاع نداشته است؟ این گمان چندان منطقی نمی نماید، زیرا پسرعمویش مرزبان که همزمان با او و تنها با فاصله کوتاهی کتابت خرده اوستایش را به اتمام رسانده است، آشکارا نام اجدادش را که پیش از «اسفندیار» بودند، به یاد داشته و ذکر کرده است. آیا ملا بهروز قصد پنهان کاری داشته است و اگر چنین است چرا؟ آیا مایل نبوده است تا نسب سیستانی خود را فاش نماید؟

اما ملامرزبان کاتب نسخه مورد نظر ما فرجامه خود را به خط فارسی نوشته است و همانطور که پیشتر گفته شد تا هشت پشت از نیاکانش را نام برده است: «به خط حقیر فقیر خاک پای کل بهدینان مرزبان ابن ظهراب ملا گشتاسب بهمن فرامرز اسفندیار رستم اردشیر کریم داد سیستانی». این فرجامه نشان می دهد اصالت این خاندان به سیستان باز می گردد. در تاریخ دین زرتشتی، سیستان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و هست. این سرزمین از بامداد ظهور زرتشت،

یکی از پایگاه‌های اصلی این دین بود و تشکیلات دینی مهمی در آنجا قرار داشت. با ورود اعراب و گسترش اسلام در ایران، سیستان همچنان یکی از کانون‌های مهم زرتشتیان باقی ماند و این جایگاه و وجاهت را تا قرون ده و یازده هجری همچنان حفظ کرد و یکی از پناهگاه‌ها و مراکز استقرار بهدینان بود، بطوریکه در قرن ۹ یزدگردی جمعیت زرتشتیان این ناحیه را ۲۷۰۰ نفر برآورد کردند که نسبت به نواحی دیگر همچون خراسان و کرمان و یزد، رقم بالایی بود (Dārāb Hormazyār's Rivāyat, 1922: 397). اما به تدریج از دوران صفویه به بعد به دلیل سیاست‌های سخت‌گیرانه و تعصبات مذهبی، بسیاری از بهدینان ساکن سیستان دست به مهاجرت زدند و یکی از نقاطی که آنان را به گرمی پذیرفت، کرمان بود. این امر سبب شد تا حلقه زرتشتیان کرمان به تدریج با خراسانیان و سیستانیان درآمیزد (دالوند، ۱۳۹۹ الف: ۹۹) به گونه‌ای که خانواده‌های بهدین از منظر قومیتی، ترکیبی از نواحی خراسان و کرمان و سیستان داشتند. شجره‌نسب ملا مرزبان شاهی بر این آمیختگی قومیتی است. در این سلسله‌نسب از یک طرف جد اعلای او کریم‌داد موسوم به «سیستانی» است و از طرف دیگر پشت دوم او یعنی ملا گشتاسب، معروف به «کرمانی» است که نشان می‌دهد خاندان ملا مرزبان در زمانی شاید همان دوران حکومت صفویان ناچار به مهاجرت از سیستان به کرمان شدند. چه بسا این مهاجرت توسط کریم‌داد و یا فرزندش اردشیر صورت گرفته باشد. زیرا اگر فاصله زمانی میان هر کدام از نیاکان ملا مرزبان را چیزی حدود ۲۵ سال در نظر بگیریم، با توجه به تاریخ نگارش خرده/اوستای ملا مرزبان (۱۲۷۳ق اوایل دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار)، حدود زمانی زندگی کریم‌داد را می‌توان دوران پادشاهی شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۳ - ۱۰۷۷ق) تخمین زد که در آن دوران بهدینان روزگار سختی را به لحاظ فشارهای مذهبی از جانب دولت و جامعه تحمل می‌کردند و همین امر شاید عاملی برای مهاجرت بسیاری از زرتشتیان از جمله خانواده ملا مرزبان بوده است. متن فرجامه نسخه خرده/اوستای شماره ۳۶ که بر روی صفحه ۳۰۶ این دستنویس نوشته شده چنین است:

«به خط حقیر فقیر خاک پای کل بهدینان مرزبان ابن ظهراب ملا گشتاسب بهمن فرامرز اسفندیار رستم اردشیر کریم‌داد سیستانی نوشتم فراج^۱ هشتم اشایه فیروزگر اندر روز فرخ نیکه^۲ روز

^۱ فراز

^۲ نیک

فروردین و بهمن ماه قدیم سنه ۱۲۲۷ هجریه سنه ۱۲۷۳ نوشتم خطی پر زعیب و دغل بپوشان
به رحمت چه^۱ دیدی خلل»

سپس از صفحه بعد ادامه متن «پتت کردن» آمده است، اما به دلیل افتادگی برگ‌های پایانی نسخه، متن ادامه نیافته و ناقص است. در آخرین برگ و زیر آخرین سطر، در جای رکابه، واژه «بید» آمده است که نشان از ادامه متن دارد.

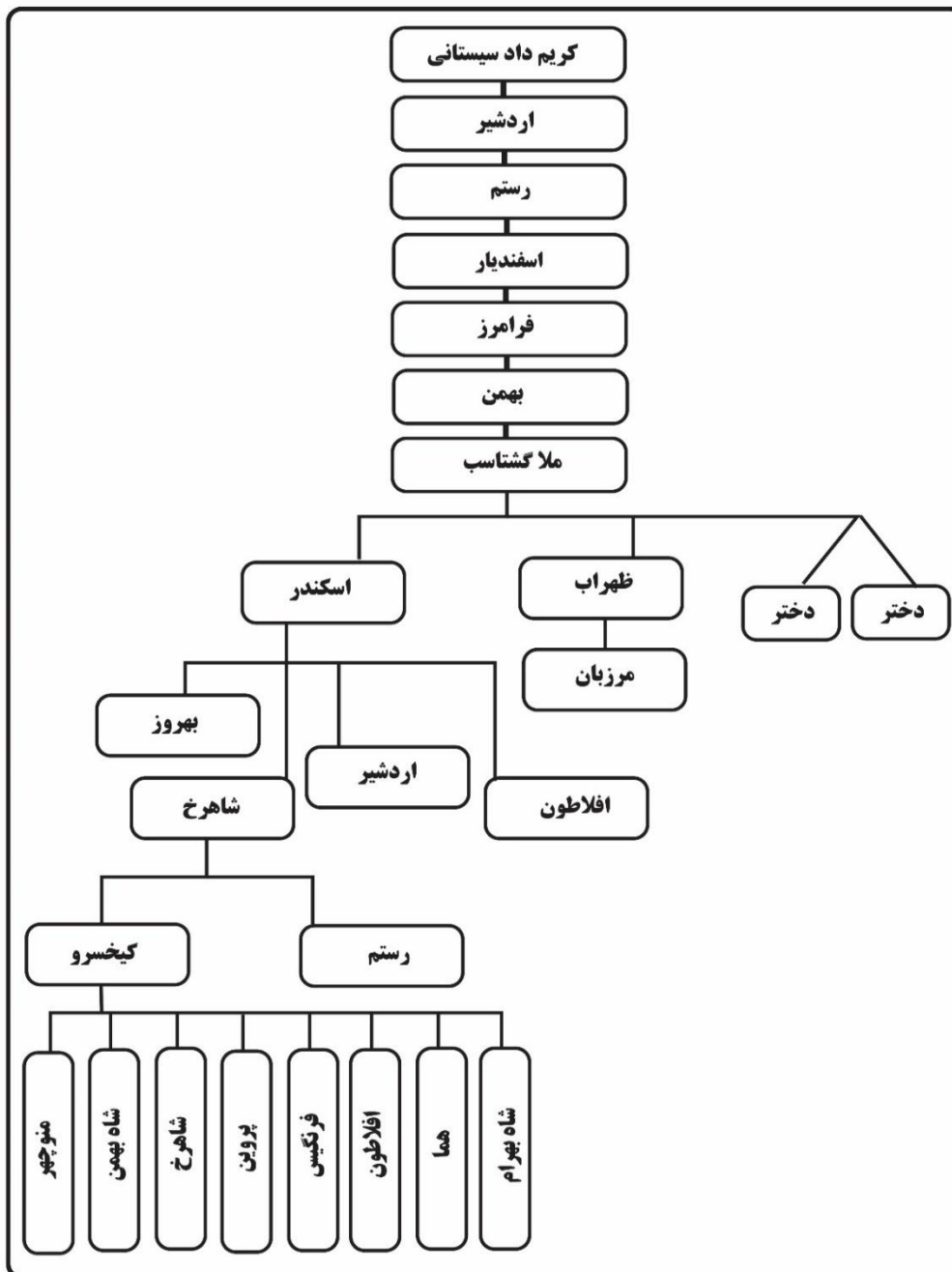
نتیجه‌گیری

دستنویسی که به شماره ۳۶ در کتابخانه هرندی کرمان نگهداری می‌شود، خرده اوستایی است به خط فارسی که در سال ۱۲۲۷ یزدگردی توسط ملا مرزبان ظهراب کتابت شده است. کاتب آن، عموزاده ملا بهروز اسکندر کاتب نسخه خرده اوستای دیگری است که کمی پیشتر در سال ۱۲۲۶ یزدگردی به خط اوستایی نوشته شده است. استنساخ دو نسخه خرده اوستا یکی به خط اوستایی و دیگری به خط فارسی آن هم در بازه زمانی نزدیک به هم، این گمان را پیش می‌آورد که آیا می‌توان نسخه ۳۶ را طلایع فارسی نگاشت نسخ دینی اوستایی و یا مشخصاً خرده اوستا دانست؟

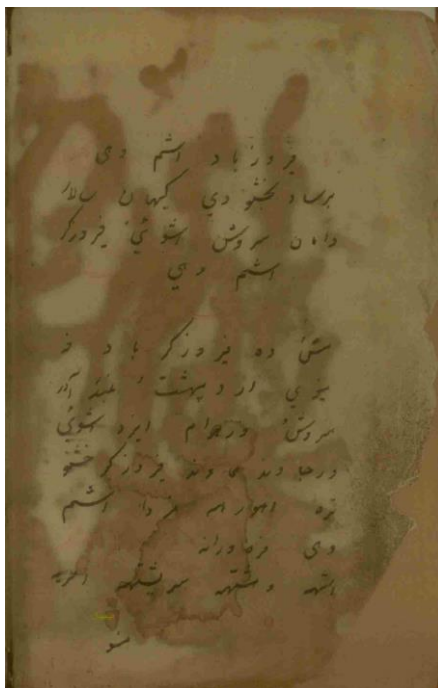
از طرفی نگارش این دو نسخه توسط اعضای خاندانی که از تبار موبدان نبودند، این فرضیه را قوت می‌بخشد که گویا امتیاز استنساخ متون دینی منحصراً در اختیار دودمان‌های موبدان و موبدزادگان نبوده است و دیگرانی هم که از سواد و دانش برخوردار بودند و در جامعه با عنوان ملا و درس خوانده شناخته می‌شدند، می‌توانستند دستی در این کار داشته باشند. آنچه این نسخه را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌سازد، ذکر نام هشت نسل از نیاکان کاتب است. از آنجا که نام نیای هشتم ایشان کریم‌داد سیستانی است، شاید این نام بیانگر خاستگاه سیستانی آنان باشد هر چند که سالها در کرمان زیسته بودند.

تاکنون از ملا مرزبان ظهراب دستنویس دیگری یافت نشده است، اما با توجه به شیوه درست‌نویسی وی در نگارش زبان اوستایی به خط فارسی در نسخه خرده اوستای ۳۶، چه بسا در آینده دستنویس‌های دیگری نیز از وی به دست آید که آگاهی‌های بیشتری برای شناخت تاریخچه این خاندان در اختیار گذارد.

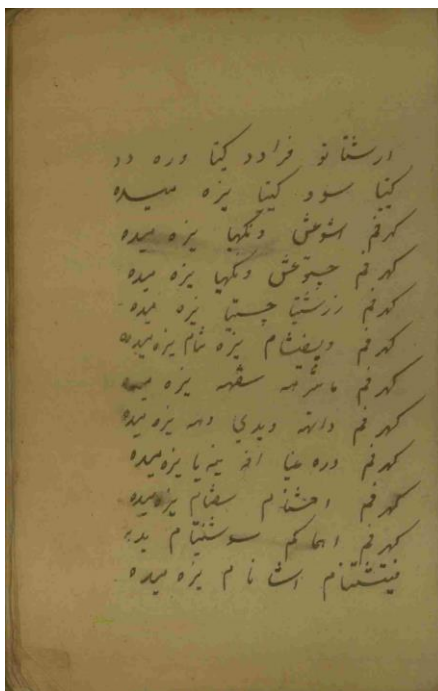
نمودار ۱: شجره‌نسب خاندان مرزبان ظهراب و عموزاده‌ی وی، ارباب کیخسرو شاهرخ (تهیه و تنظیم نگارنده)^۱



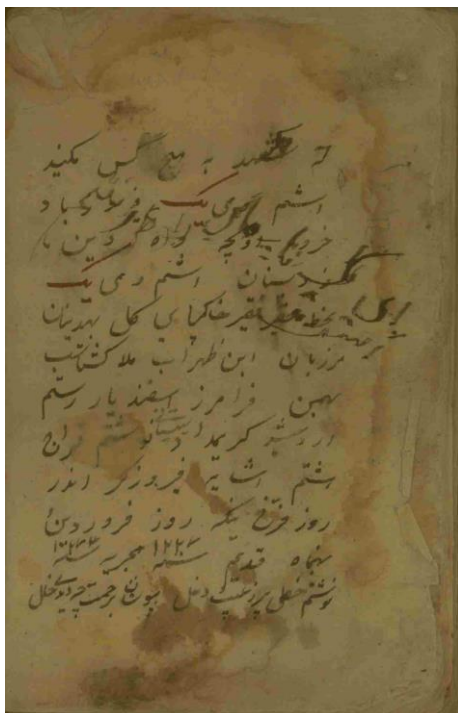
^۱ از خانم‌ها شادی و شیرین سیدی برای همکاری در تهیه این تصویر سپاسگزارم.



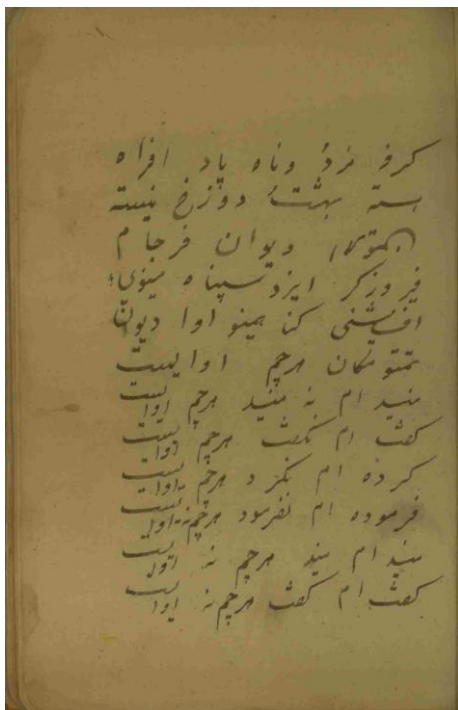
تصویر ۱: صفحه نخست دستنویس خرده اوستا به شماره ۳۶



تصویر ۲: قرار دادن واژگان تکراری در آغاز و پایان سطور



تصویر ۳: صفحه فرجامه نسخه خرده/وستا به شماره ۳۶



تصویر ۴: واژه «هریمن» به صورت وارونه نوشته شده است

کتابنامه

- اشیدری، ج. (۱۳۵۵). *تاریخ پهلوی و زرتشتیان* (ج ۱). تهران: هوخ.
- افلاطون بن اسکندر کرمانی (۱۳۰۲ق). *اقبال ناصری* [چاپ سنگی]. ناشر میرزا بهرام ابن ملاگشتاسب مهربان کرمانی.
- امینی، ت. (۱۳۸۰). *اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- اوشیدری، ج. (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا*. تهران: مرکز.
- تفضلی، ا. (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام*. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- دالوند، ح. ر. (۱۳۹۹الف). *تاریخ و سنت زردشتی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دالوند، ح. ر. (۱۳۹۹ب). *متون فارسی زردشتی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ذاکری، ح. (۱۳۹۴). *رمل. دانشنامه جهان اسلام*. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج ۲۰. (صص ۳۲۲-۳۲۷). تهران: بنیاد دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- راشد محصل، م. ت. (۱۳۸۲). *اوستا*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- روح‌اللهی، ح. (۱۳۸۹). *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. ج ۱۸. (صص ۲۸۸-۲۹۲). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خرده اوستا (۱۳۸۵). به کوشش کتایون مزداپور. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری.
- سروشیان، ج. س. (۱۳۷۰). *تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده*. ج ۱. تهران: ناشر مؤلف.
- شاهرخ، ک. (۱۳۸۱). *خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ*. به کوشش شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتر. تهران: مازیار.
- شهمردان، ر. (۱۳۰۸ی). *خرده اوستا*. بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی.
- شهمردان، ر. (۱۳۶۳). *تاریخ زرتشتیان، فرزندان زرتشتی*. تهران: فروهر.
- صفری آق‌قلعه، ع. (۱۳۹۰). *نسخه‌شناخت پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی*. تهران: میراث مکتوب.
- غروی، م. (۱۳۶۵). *فهرست نسخه‌های خطی فارسی، بمبئی کتابخانه مؤسسه کاما، گنجینه مانکجی*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- نجمی، ش. (۱۳۸۱). *گاهشمار تاریخ کرمان* (ج ۱). کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- نیک‌روش، م. و زارعی محمودآبادی، ح. (۱۳۹۹). *عرصه زیست جمعی زرتشتیان کشور به مثابه کانون تغییرات جدید در عصر ناصری*. *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست* ۹ (۳۵). ۱۳۷ - ۱۶۴.

۱۱۲ پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال سوم شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

هینتسه، آ. (۱۳۹۳). ادبیات اوستایی. ، تاریخ ادبیات ایران، ادبیات پیش از اسلام. سرویراستار ا. یارشاطر. به کوشش ر. امریک و م. ماتسوخ. ترجمه ا. ر. قائم مقامی زیر نظر ژ. آموزگار. (صص ۳۷-۱۱۰). تهران: سخن.

Dārāb Harmazyār's Rivāyat (1922). In M. R. Unvala (Ed.), Vol. 2.
Bombay: Printed at British India Press.

Introducing to the *khorde Avestā* manuscript of Harandi Library- Kerman

Fateme Jahanpour*

Abstract

One of the valuable manuscripts that is kept in Harandi Kerman Library affiliated to Astan Qods Razavi Library is the *Khorde Avestā*, number 36, with 102 leaves, which was written by Mullā Marzbān, son of Zohrāb, son of Mullā Goštāsb, son of Bahman, son of Farāmarz, son of Esfandiār, son of Rostam, son of Ardešīr, son of Karīm- dād e Sīstānī, in 1227 Yazdgirdī / 1273 AH. written in Persian alphabet and there is not translation into Persian. In the final pages of the book, there is a colophon in Persian script from the author. Writer is a well-known man in Kerman and from the family of famous astronomers of the Qajar period. *Khorde Avestā* is a collection of short prayers and supplications that religious believers recite every day at special times. This book includes texts such as Ordībehešt Yašt, Varharām Yašt, Ātaš Niāyeš, Āfarīngān Gahanbār, and Patet. The importance of this version is that it is perhaps one of the oldest Avesta texts written in Persian script, and the scribe, by introducing eight generations of his ancestors, clarifies that he was a generation of Zoroastrians from Sistan who later migrated to Kerman. This article aims to introduce and identify this version and the author's family.

Key word: Khorde Avestā, manuscript, Mullā marzbān, Mullā Goštāsb, Harandi Library.

* MA in Ancient Iranian Languages and Culture Institute for Humanities and Cultural Studies. Tehran- Iran. Email: fjahanpour@gmail.com